Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2018, Vol: 6, No: 1, Pages: 1-9.

Study of Students' Attitudes towards Islamic Knowledge Courses at Mazandaran University of Medical Sciences

Seyed Hosein Hoseini Karnami, Morteza Darabinia*, Rahmatollah Marzband

Assistant Professor, Department of Islamic Thought, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

***Corresponding Author:**
Morteza Darabinia
Department of Islamic Thought, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Email:
m.darabinia@gmail.com

Received: 24 Oct 2017
Revised: 13 Dec 2017
Accepted: 27 Jun 2018

Abstract

Background and Purpose: Continuous evaluation of the functions of Islamic Knowledge courses is critical in responding to the needs of students and transfer of Islamic values. Therefore, the present study was carried out to examine the students' attitude toward Islamic courses in Mazandaran University of Medical Sciences in the academic year of 2015-2016.

Materials and Methods: In this quantitative descriptive-analytical study, according to the Morgan's table, 352 subjects were selected by random stratified sampling method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire, whose Cronbach's alpha reliability was estimated at 0.874. Data were analyzed in SPSS, version 16, using descriptive statistics, independent t-test, and ANOVA.

Results: Considering mean scores in each domain as a cut-off point, 58% and 42% of the students were satisfied and dissatisfied with the content of Islamic Knowledge courses, respectively; in the domain related to professors' performance, 77.4% and 22.6% of the students were satisfied and dissatisfied, respectively. Further, in the domain of educational environment, 67.8% and 32.2% of the students were satisfied and dissatisfied, respectively. In general, the obtained data indicated the students' positive attitude towards the performance of the three domains, particularly the professors' performance domain.

Conclusion: In this study, students had a positive attitude towards the content, performance of professors, and educational environment of Islamic Knowledge courses. Continuous and periodic assessments must be conducted to improve students' views regarding the drawbacks of these courses.

Keywords: Attitude, Islamic knowledge courses, Mazandaran University of Medical Sciences, Students

▶ **Citation:** Hoseini Karnami SH, Darabinia M, Marzband R. Study of Students' Attitudes towards Islamic Knowledge Courses at Mazandaran University of Medical Sciences. Religion and Health, Spring & Summer 2018; 6(1): 1-9 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

دین و سلامت

مقاله پژوهشی

دوره ۶، شماره ۱، سال ۱۳۹۷ صفحه: ۹-۱.

بررسی نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران

سید حسین حسینی کارنامی[۱]، مرتضی دارابی‌نیا[۲*]، رحمت‌الله مرزبند[۳]

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

* **مؤلف مسئول:** مرتضی دارابی‌نیا
گروه معارف اسلامی، دانشگاه علـوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

Email:
m.darabinia@gmail.com

دریافت: ۲۱ آبان ۱۳۹۶
اصلاحات: ۲۲ آذر ۱۳۹۶
پذیرش: ۶ تیر ۱۳۹۷

چکیده

سابقه و هدف: برای پاسخ‌گویی به نیازهای دانشجویان و انتقال ارزش‌های اسلامی به آن‌ها ارزشیابی مداوم کارکردهای دروس معارف اسلامی امری ضروری می‌باشد. در این ارتباط، پژوهش حاضر با بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به دروس معارف اسلامی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر کمی بوده و از نوع مطالعات توصیفی- پیمایشی می‌باشد. جهت انجام پژوهش مطابق با جدول مورگان ۳۵۲ نفر به‌صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پژوهشگرساخته‌ای بود که ضریب پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷۴ برآورد شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 و آماره‌های توصیفی، آزمون‌های t مستقل و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این پژوهش با توجه به حد وسط امتیازات در هر حیطه به‌عنوان نقطه برش، در حیطه محتوایی دروس معارف ۵۸ درصد از دانشجویان راضی و ۴۲ درصد ناراضی بودند، در حیطه مربوط به استادان ۷۷/۴ درصد از دانشجویان راضی و ۲۲/۶ درصد ناراضی بودند و در حیطه فضای آموزشی ۶۷/۸ درصد از دانشجویان راضی و ۳۲/۲ درصد ناراضی بودند که در مجموع نشان‌دهنده نگرش مثبت دانشجویان به عملکرد حیطه‌های سه‌گانه به‌ویژه حیطه استادان می‌باشد.

استنتاج: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نگرش مثبتی نسبت به محتوا، استادان و فضای آموزشی دروس معارف اسلامی داشتند. برای بهترشدن نگرش دانشجویان لازم است همواره ارزیابی‌های مستمر با هدف آسیب‌شناسی این دروس به عمل آید.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دروس معارف اسلامی، نگرش‌سنجی

◄ **استناد:** حسینی کارنامی، سید حسین؛ دارابی‌نیا، مرتضی؛ مرزبند، رحمت‌الله. بررسی نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۳۹۷؛۶(۱): ۹-۱ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

در طول سال‌های گذشته دروس دینی در ایران در مقاطع مختلف تحصیلی آموزش داده شده‌اند (۱). آموزش ارزش‌ها همواره از اهداف مهم نظام‌های آموزشی در ایران تلقی می‌شود؛ زیرا نظام‌های آموزشی در پی آن هستند که فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن را به نسل آینده منتقل کنند (۲). در نظام آموزش عالی ایران پس از انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۳ تاکنون تحقق بخشی از اهداف آموزشی بر عهده گروه‌های معارف اسلامی دانشگاه‌ها گذاشته شده است و به همین دلیل توجه به مسائل و نیازهای دانشجویان در دروس معارف اسلامی و ارائه اهداف مطلوب یکی از نیازهای اساسی می‌باشد (۳).

امروزه در راستای اهداف نظام دینی ایران بیش از ۱۰ درصد (۱۶ واحد) از دروس دوره کارشناسی دانشجویان دانشگاه‌های کشور به دروس معارف اسلامی اختصاص یافته است که این امر به‌منظور تحقق تربیت دینی می‌باشد که به گفته استاد مطهری یکی از زیرمجموعه‌های نظام تعلیم و تربیت است (۴).

بررسی دروس معارف اسلامی به لحاظ محتوا، ماهیت و شکل ارائه آن جهت همخوانی با اهداف تبیین‌شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی امری ضروری می‌باشد و لازم است میزان تأثیر آن در آگاهی، نگرش و گرایش دانشجویان مشخص گردد و با توجه به بررسی‌ها برای افزایش نقاط قوت و رفع معایب آن تصمیم شایسته‌ای گرفته شود (۵). در این راستا، مطالعه حاضر بر آن است تا با بررسی نگرش دانشجویان با توجه به سه عامل فضای آموزشی، استاد و محتوای آموزشی در حوزه تمامی دروس مجموعه معارف اسلامی مشخص نماید که این دروس تا چه حد توانسته‌اند در مسیر اهداف خود گام بردارند و به چه میزان در تعالی‌بخشی به باورهای اعتقادی و بینش سیاسی دانشجویان توفیق داشته‌اند؟ علاوه‌براین این پژوهش در پی آن است تا با مشخص‌کردن نقاط قوت و نقایص احتمالی، برنامه‌ریزان را در اخذ تدابیر لازم در جهت نیل به اهداف یاری رساند و به دست‌اندرکاران دروس معارف اسلامی کمک نماید تا دقیق‌تر و کاربردی‌تر به آن بنگرند و تدریس این دروس بتواند در تجهیز رفتار الهی و انسانی دانشجویان مؤثر باشد.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش کمی بوده و از نوع مطالعات توصیفی- پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش طبقه‌بندی تصادفی استفاده گردید. دانشجویان بر حسب دانشکده به طبقات مختلف تقسیم شدند و ۳۵۲ نفر به‌صورت تصادفی براساس طبقات دانشجویان در دانشکده‌های مختلف انتخاب گردیدند. هرچند تنظیم این طرح به‌صورت جداگانه در هریک از دروس معارف اسلامی نیز امکان‌پذیر بود؛ اما به دلیل تدریس هریک از اعضای هیأت علمی گروه معارف در گرایش‌های مختلف دروس مورد ارزیابی و نیز به لحاظ کاهش در هزینه اجرا، انجام پژوهش به‌صورت فعلی قابلیت علمی داشته و به نظر می‌رسد که با استفاده از این روش، استنتاج به‌دست‌آمده جامعیت و مقبولیت بیشتری دارد. معیار ورود به پژوهش مهمان‌نبودن دانشجویان و گذراندن دروس معارف اسلامی بود. دانشجویانی که دروس معارف را به دلایلی نگذرانده بودند و یا به هر طریقی دانشجوی سایر دانشگاه‌ها محسوب می‌شدند از مطالعه خارج گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پژوهشگرساخته شامل ۵۰ سؤال و سه حیطه محتوای دروس معارف اسلامی، استادان مربوط به دروس معارف اسلامی و فضای آموزشی آن‌ها بود. مقیاس پرسشنامه بر مبنای لیکرت پنج درجه‌ای طراحی گردید و برای سؤالات طیف امتیازی ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد؛ برای بسیار زیاد امتیاز ۵، برای زیاد امتیاز ۴، برای متوسط امتیاز ۳، برای کم امتیاز ۲ و برای بسیار کم امتیاز ۱ لحاظ شد. این پرسشنامه از نظر روایی محتوایی و صوری مورد تأیید چند تن از استادان صاحب‌نظر در این زمینه قرار

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

گرفت و استادان پرسشنامه را از نظر روایی محتوایی و صوری با اصلاحاتی تأیید نمودند. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده گردید و محاسبه ضریب ۰/۸۷۴ آلفای کرونباخ این پرسشنامه، پایایی بسیار مطلوب آن را نشان می‌دهد. در ادامه، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 و آماره‌های توصیفی، آزمون‌های t مستقل و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰۲ زن و ۱۵۰ مرد شرکت کردند. ۵۱ نفر از دانشجویان متأهل و ۳۰۲ نفر از آن‌ها مجرد بودند. بر مبنای داده‌ها ۱۲۵ نفر با خانواده، ۱۹۰ نفر در خوابگاه و ۳۷ نفر در منزل زندگی می‌کردند. علاوه‌براین ۳۲ نفر شاغل بودند، ۱۲ نفر کار دانشجویی داشتند و ۳۰۸ نفر غیرشاغل بودند. در این مطالعه با توجه به حد وسط امتیازات در هر حیطه به‌عنوان نقطه برش، در حیطه محتوایی دروس معارف ۵۸ درصد از دانشجویان راضی و ۴۲ درصد ناراضی بودند، در حیطه مربوط به استادان ۷۷/۴ درصد از دانشجویان راضی و ۲۲/۶ درصد ناراضی بودند و در حیطه فضای آموزشی ۶۷/۸ درصد راضی و ۳۲/۲ درصد ناراضی بودند که این امر نشان‌دهنده نگرش مثبت دانشجویان نسبت به عملکرد حیطه‌های سه‌گانه به‌ویژه حیطه مربوط به استادان است. جدول ۱ وضعیت نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به دروس معارف اسلامی را با توجه به حد متوسط امتیازات نشان می‌دهد.

برای بررسی وضعیت نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به دروس معارف اسلامی با توجه به حد متوسط امتیازات با در دست داشتن حد متوسط امتیازات از آزمون T-test تک‌نمونه‌ای استفاده گردید. به‌منظور بررسی تأثیر دروس معارف در حیطه محتوایی از ۲۵ سؤال استفاده شد که این حیطه در نمره کلی با میانگین وضع موجود ۷۷/۶ بالاتر از حد متوسط با رقم ۶۲/۵ قرار گرفت و با توجه به محاسبه (P>۰/۰۵) می‌توان گفت که دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به حیطه محتوایی دروس معارف دارند و میزان تأثیرگذاری محتوای دروس معارف از دیدگاه دانشجویان در سطح مطلوبی می‌باشد. به‌منظور بررسی تأثیر دروس معارف در حیطه مربوط به اساتید از ۲۰ سؤال استفاده شد که این حیطه در نمره کلی با میانگین وضع موجود ۶۹/۸۸ بالاتر از حد متوسط با رقم ۵۰ بود. با توجه به محاسبه (P>۰/۰۵) می‌توان گفت که دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به حیطه مربوط به اساتید دروس معارف دارند و میزان تأثیرگذاری حیطه استادان دروس معارف از دیدگاه دانشجویان در سطح مطلوبی قرار دارد. علاوه‌براین، به‌منظور بررسی تأثیر دروس معارف در حیطه مربوط به فضای آموزشی از پنج سؤال استفاده شد که این حیطه در نمره کلی با میانگین وضع موجود ۱۶/۹۹ بالاتر از حد متوسط با رقم ۱۲/۵ قرار گرفت. با توجه به محاسبه (P>۰/۰۵) می‌توان گفت که دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به عملکرد حیطه مربوط به فضای آموزشی دروس معارف دارند و میزان تأثیرگذاری حیطه فضای آموزشی در مقایسه با حیطه استادان دروس معارف در سطح مطلوبی می‌باشد. جدول ۲ رابطه جنسیت با میزان نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف در حیطه‌های سه‌گانه محتوا، استاد و فضای آموزشی دانشگاه را نشان می‌دهد.

برای بررسی رابطه جنسیت با سطوح نگرش

جدول ۱: مقایسه وضعیت نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به دروس معارف اسلامی با توجه به حد متوسط امتیازات

حیطه	تعداد نمونه	میانگین وضع موجود	انحراف استاندارد	حد متوسط امتیازات	مقدار t تک‌نمونه‌ای	درجه آزادی	سطح معناداری
حیطه محتوایی دروس معارف	۳۵۲	۷۷/۶	۱۸/۶۳	۶۲/۵	۱۲/۲۹	۳۵۱	۰/۰۰
حیطه مربوط به استادان دروس معارف	۳۵۲	۶۹/۸۸	۱۳/۷	۵۰	۲۲/۰۰۹	۳۵۱	۰/۰۰۰
حیطه مربوط به فضای آموزشی	۳۵۲	۱۶/۹۹	۴/۰۲	۱۲/۵	۱۶/۹۲	۳۵۱	۰/۰۰

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

جدول ۲: آزمون اثرات بین گروهی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به حیطه‌های سه‌گانه دروس معارف اسلامی براساس جنسیت

منابع تغییر		متغیر وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
جنسیت	دختر	محتوا	۱	۸۶۵/۰۵۵	۲/۵۸	۰/۱	۰/۰۰۹
		اساتید	۱	۴۳/۴۵	۰/۲۳۲	۰/۶۳	۰/۰۰۱
	پسر	فضای آموزشی	۱	۲/۰۸	۱۳۲	۰/۷۱۶	۰/۰۰۱
		نمره کلی نگرش درباره دروس معارف	۱	۱۱۹۴/۵	۱/۱۹	۰/۲۷۵	۰/۰۰۴

جدول ۳: آزمون آثار بین گروهی نگرش دانشجویان نسبت به حیطه‌های سه‌گانه دروس معارف اسلامی براساس دانشکده

متغیر مستقل		متغیر وابسته	میانگین مجذورات	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
دانشکده تحصیلی	بهداشت	محتوا	۷۷۱/۵۱	۵	۲/۳۴	۰/۰۴۱	۰/۰۴۲
	پرستاری و مامایی	اساتید	۷۴۱/۳۲	۵	۴/۲	۰/۰۰۱	۰/۰۷۲
	پزشکی دندانپزشکی	فضای آموزشی	۱۱/۱۸	۵	۰/۷۱	۰/۶۱	۰/۰۱۳
	پیراپزشکی داروسازی	نمره کلی نگرش درباره دروس معارف	۱۰۶۹/۳۸	۵	۳/۱	۰/۰۰۸	۰/۰۵۶

دانشجویان در دروس معارف اسلامی از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که بین دانشجویان دختر و پسر در نمره کلی نگرش به دروس معارف اسلامی در تمامی حیطه‌های آن تفاوت معناداری وجود ندارد و نگرش از نظر محتوای دروس، استادان و فضای آموزشی با یکدیگر برابر بوده و تفاوتی ندارد.

در جدول ۳ رابطه دانشکده با میزان نگرش دانشجویان به دروس معارف در دانشگاه علوم پزشکی مازندران نشان داده شده است.

برای بررسی رابطه دانشکده محل تحصیل با سطوح نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. براساس جدول ۳ می‌توان گفت که بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف در حیطه محتوا (P=۰/۰۴۱)، حیطه اساتید (P=۰/۰۰۱) و نمره کلی نگرش درباره دروس معارف (P=۰/۰۰۸) تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما در حیطه نگرش نسبت به فضای آموزشی در بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف (P>۰/۰۵) تفاوتی مشاهده نمی‌شود (جدول ۴). با توجه به اندازه اثر، ۴/۲ درصد از واریانس در نمره محتوا، ۷/۲ درصد از واریانس در نمره استادان، ۱/۳ درصد از واریانس در نمره فضای آموزشی و ۵/۶ درصد از واریانس در نمره کلی نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف با توجه به متغیر دانشکده توضیح داده می‌شود. نمودار ۱ میزان نگرش دانشجویان به دروس معارف اسلامی را در حیطه‌های محتوا، استاد و فضای آموزشی براساس دانشکده نشان می‌دهد.

با توجه به نمودار ۱ در ارتباط با حیطه محتوای دروس، دانشکده بهداشت در بالاترین سطح و دانشکده پزشکی در کمترین سطح نمره قرار دارند. در حیطه مربوط به استادان نیز دانشکده دندانپزشکی در بالاترین سطح و دانشکده پزشکی در کمترین سطح نمره جای گرفته‌اند. علاوه‌براین در حیطه مربوط به فضای آموزشی، دانشکده دندانپزشکی در بالاترین سطح و دانشکده داروسازی در کمترین سطح نمره قرار دارند.

جدول ۴: آزمون آثار بین گروهی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به حیطه‌های سه‌گانه دروس معارف اسلامی براساس مقطع تحصیلی

متغیر مستقل		متغیر وابسته	میانگین مجذورات	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
مقطع تحصیلی	لیسانس	محتوا	۱۰۷۶/۳۸	۲	۱/۰۶	۰/۳۶	۰/۰۱۲
	فوق لیسانس	استادان	۴۲۹/۰۲	۲	۰/۷۶	۰/۵۱	۰/۰۰۸
	دکترا	فضای آموزشی	۴۹/۳۷	۲	۱/۰۵	۰/۳۷	۰/۰۱۱
		نمره کلی نگرش به دروس معارف	۳۴۴۴/۸۴	۲	۱/۱۵	۰/۳۲	۰/۰۱۳

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

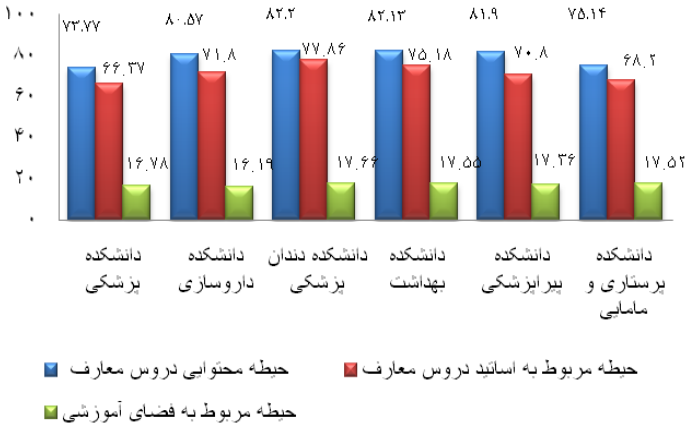

نمودار ۱: میزان نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به حیطه‌های سه‌گانه دروس معارف اسلامی براساس دانشکده



نمودار ۲: نمره کلی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به دروس معارف اسلامی با توجه به حیطه‌های سه‌گانه (محتوا، استاد و فضای آموزشی)

برای بررسی رابطه مقطع تحصیلی با سطوح نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. براساس نتایج این آزمون بین دانشجویان براساس مقطع تحصیلی در هیچ‌یک از حیطه‌های سه‌گانه در دروس معارف با محاسبه (P>۰/۰۵) تفاوت معناداری مشاهده نشد. براساس مقطع تحصیلی نیز نگرش دانشجویان از نظر محتوای دروس، استادان و فضای آموزشی با هم برابر بود.

با توجه به نمودار ۲ می‌توان گفت که به‌طور کلی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی بالاترین میزان رضایت و دانشجویان دانشکده پزشکی کمترین میزان رضایت را از هر سه حیطه دروس معارف اسلامی داشتند.

بحث

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که نمره کلی حیطه محتوایی (۷۷/۶) بالاتر از حد متوسط (۶۲/۵) می‌باشد. این یافته بیانگر نگرش مثبت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به حیطه محتوایی دروس معارف اسلامی است. در مقابل، ملکی و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برنامه درسی معارف اسلامی در حال حاضر مبتنی بر نیازهای دانشجویان نمی‌باشد و یکی از ضعف‌های مهم آن نداشتن چهارچوب مشخص برای آموزش دروس معارف اسلامی است. نداشتن الگوی مشخص و عدم نیازسنجی دانشجویان در برنامه درسی موجب شده است که بسیاری از ویژگی‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که باید در برنامه درسی دروس معارف اسلامی لحاظ شوند مورد غفلت قرار گیرند. علاوه‌براین، داده‌های پژوهش نشان‌دهنده فاصله وضع موجود از وضعیت مطلوب بودند که توجه به این مهم از نیازهای اساسی آموزشی دانشجویان در برنامه

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

درسی دروس معارف اسلامی می‌باشد (۶). علاوه‌براین، در پژوهش حاضر میانگین نمره کلی حیطه مربوط به استادان (۶۹/۸۸) بالاتر از حد متوسط (۵۰) بود. این امر بیانگر آن است که دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نگرش مثبتی نسبت به دروس معارف در حیطه مربوط به استادان داشته‌اند. همچنین میانگین نمره کلی حیطه مربوط به فضای آموزشی دروس معارف (۱۶/۹۹) بالاتر از حد متوسط (۱۲/۵) به‌دست آمد که نشان از نگرش مثبت دانشجویان به دروس معارف اسلامی در حیطه مربوط به فضای آموزشی داشت.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعه یوسفی لویه (۷) همخوانی دارد. وی در پژوهش خود تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان را در حد خوب ارزیابی نمود. نتایج پژوهش دیگر وی نشان داد که نگرش دینی دانشجویان در حد مطلوب (یعنی قوی و مثبت) است. در این پژوهش از میان اجزای نگرش دینی، ابعاد عاطفی، آمادگی رفتاری، انگیزشی و بعد شناختی به‌ترتیب بالاترین نمرات را به خود اختصاص دادند و دانشجویانی که دروس معارف اسلامی ۱ و ۲ را گذرانده بودند نسبت به افرادی که این دروس را نگذرانده بودند نگرش دینی مطلوب‌تری داشتند (۸) که این امر با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد. لیاقت‌دار و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی میزان رضایت دانشجویان از دروس عمومی و معارف اسلامی را در شهر کرمان بررسی کردند و گزارش نمودند که میزان رضایت دانشجویان از محتوای آموزشی کتاب‌ها کمتر از سطح متوسط بوده و دانشجویان نسبت به گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس معارف اسلامی بیشتر از حد متوسط رضایت داشته‌اند (۹). شایان ذکر است که بخش اول نتایج مطالعه آن‌ها با یافته‌های مطالعه حاضر همخوانی ندارد. هراتی و قنبری (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی میزان مطابقت محتوای ارائه‌شده در درس "انقلاب اسلامی ایران" را با انتظارات دانشجویان مورد مطالعه در دانشگاه بوعلی سینا بررسی نمودند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که در مجموع میزان برآورده‌شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس‌شده در درس انقلاب اسلامی در مورد پاسخگویی به شبهات و سؤالات آن‌ها پیرامون انقلاب اسلامی کمتر از حد متوسط می‌باشد. در این مطالعه بیشترین میزان انتظارات برآورده‌شده دانشجویان از محتوای ارائه‌شده در مورد مسائل قبل از انقلاب و ریشه‌های تاریخی آن و کمترین میزان انتظارات برآورده‌شده دانشجویان از محتوای ارائه‌شده در مورد مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی بود. همچنین دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر محتوای درس انقلاب اسلامی را با انتظارات خود منطبق می‌دانستند (۱۰)؛ اما در پژوهش حاضر تفاوتی بین جنسیت در نوع نگرش و انتظارات مشاهده نگردید.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش امینی (۲۰۱۳) که در آن به بررسی تفاوت دیدگاه دانشجویان در مورد اثرگذاری برنامه درسی معارف اسلامی بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک پرداخته است نشان می‌دهد که بین دیدگاه دانشجویان در مورد عوامل درونی اثرگذاری دروس معارف اسلامی (که مربوط به احساس و روابط می‌گردد) براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، دانشجویان مرد و زن نسبت به تأثیرگذاری عوامل درونی نگرش یکسانی ندارند (۱۳-۱۱). در مقابل، نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهش مجیدی و فاتحی (۱۴) همسو نمی‌باشد. این پژوهشگران در پژوهش خود ضمن مستندسازی نگرش دانشجویان نسبت به چگونگی برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی و تبیین مشکلات موجود در این زمینه تصریح نمودند که در مورد دروس معارف اسلامی از نظر به‌روزبودن محتوا و پاسخگویی به پرسش‌های اقتصادی و سیاسی، تعمیق باورهای دینی و القای نگرش‌های مثبت دینی و تثبیت و تقویت رفتارهای مثبت و ابعاد معنوی، کمی بیش از یک‌سوم دانشجویان نگرش مثبت داشته‌اند که این امر با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی ندارد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر بین دانشجویان دختر و پسر از نظر نمره کلی نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی در حیطه‌های مورد بررسی تفاوت

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

معناداری وجود نداشت. در مقابل، بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف در حیطه محتوا و استادان و در نمره کلی نگرش درباره دروس معارف تفاوت معناداری مشاهده گردید؛ اما در حیطه نگرش نسبت به فضای آموزشی در بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف تفاوتی وجود نداشت. شایان ذکر است که در حیطه محتوای دروس بالاترین نمره مربوط به دانشکده بهداشت و کمترین نمره از آن دانشکده پزشکی بود. در حیطه مربوط به استادان نیز دانشکده دندانپزشکی در بالاترین سطح نمره و دانشکده پزشکی در کمترین سطح نمره قرار گرفتند. به‌طور کلی دانشجویان دانشکده پزشکی بالاترین میزان رضایت از دروس معارف و دانشجویان دانشکده پزشکی کمترین میزان رضایت از دروس معارف را داشتند. باید عنوان نمود که بین نگرش دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی در هیچ‌یک از حیطه‌های پرسشنامه نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف تفاوت معناداری وجود نداشت. به عبارت دیگر، نگرش دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی از نظر محتوای دروس، استادان و فضای آموزشی با یکدیگر برابر بود و تفاوتی نداشت.

از سوی دیگر، پویازاده و شعیری (۲۰۱۴) در پژوهش خود در مورد تفاوت دیدگاه دانشجویان در مورد موانع بیرونی اثرگذاری برنامه درسی معارف اسلامی براساس ویژگی‌های دموگرافیک، تفاوت معناداری را بین دیدگاه دانشجویان در مورد تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی براساس جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی گزارش نکردند (۱۵) که این مهم با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به محتوا، اساتید گروه معارف و فضای آموزشی دروس معارف داشتند؛ درحالی که نتیجه برخی از مطالعات در مراکز آموزشی دیگر حاکی از نامناسب‌بودن محتوا و کاهش رغبت دانشجویان به دروس معارف اسلامی می‌باشد؛ بنابراین شایسته است برای ارتقای کمی و کیفی دروس معارف اسلامی، برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان دروس معارف در دانشگاه‌ها همواره نسبت به رصد آسیب‌ها و چالش‌های موجود اقدام نمایند تا قادر به تشخیص و رفع موانعی باشند که اثربخشی و تأثیرگذاری این دروس را بر دانشجویان کاهش می‌دهد. راه‌کارهایی مانند توجه و تأکید عملی استادان معارف اسلامی بر ایجاد روابط عاطفی و صمیمانه با دانشجویان به‌منظور اثرگذاری بیشتر در انجام وظایف رسمی آموزشی خود و تجهیز استادان معارف به آخرین دستاوردهای نظری و علمی دانش بشری در حوزه‌های دین آن‌ها را قادر می‌سازد تا در جهان پرشتاب امروزی به بسیاری از ابهامات و سؤالات دانشجویان پاسخ‌هایی روشن‌تر و مستدل‌تر بدهند.

حمایت مالی

این مطالعه به‌صورت طرح مصوب پژوهشی با شماره ۱۹۴۲ و کد اخلاق IR.MAZUMZ.IRC.1395.1942 مورد حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که تمامی اصول اخلاقی مرتبط از جمله محرمانه‌بودن پرسشنامه‌ها، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان در پژوهش و اختیار خروج از آن در این پژوهش رعایت شده است.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی دانشجویانی که در این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌نمایند.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

References

1. Bahar M. Religious studies in Iranian higher education system. Iranian of Higher Education. 2009; 3(1):135-49. (Persian)
2. Khosravi Z, Bagheri K. Guidance for internalization of values through curriculum. Journal of Curriculum Studies. 2008; 3(8):81-105. (Persian)
3. Khoshi A. Validation of desired goals of the Islamic Revolution in the curriculum of Islamic studies courses Islamic Revelation Research. Islamic Revolution Studies A Quarterly Scientific Research Journal. 2013; 2(6):169-94. (Persian)
4. Motahhari M. Ensan va Iman, Teharan: Entesharat-e Sadra; 1998. (Persian)
5. Majidi MR, Fatehi A. Measurement of students' attitude toward religion course. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. 2006; 12(3):37-55. (Persian)
6. Maleki H, Rahimian H, Khoshi A. Explain and identify the issues and needs of students in the curriculum of Islamic studies in Tehran universities in order to provide a desirable pattern. [Master Thesis]. Tehran: Faculty of Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University; 2012. (Persian)
7. Yusefi V. Students' Islamic education lessons, attitudes: descriptive analysis. Tehran: Secretariat of the Council of Islamic Groups; 2007. (Persian)
8. Yusefi Louyeh V. Impact of educating "Islamic knowledge's" courses on students' religious attitude. Biquarterly Journal of Islamic Education. 2007; 3(5):153-83. (Persian)
9. Liaghatdar MJ, Shanazari J, Moslemi M. Satisfaction level of university students from general courses and Islamic education courses in Kerman. Journal of Islamic Revolution. 2008; 7(14):1-22. (Persian)
10. Harati MJ, Ghanbari S. Study of conformity of curriculum presented in the course of Islamic Republic of Iran with the expectations of students. Journal of Islamic Revolution. 2012; 2:121. (Persian)
11. Amini M, Rahimi H, Samadian Z. Examining university students' attitude toward the obstacles to effectiveness of Islamic education courses in Islamic Azad University of Kashan. Journal of Islamic and Educational Research. 2013; 9:89. (Persian)
12. Amini M. Assessment of university students' metacognitive skills in Islamic education courses, rethinking in functions of university education system. Research in Islamic Education Affairs. 2013: 21:103. (Persian).
13. Amini M, Rahimi H, Samadian Z. An analysis and assessment of obstacles to effectiveness of Islamic lessons (case study in Kashan University Medical Sciences). Journal of Medical Education Development. 2013; 6(10):13-21. (Persian)
14. Majidi MR, Fatehi A. Students' attitudes towards Islamic timetabling. Journal of Research and Planning in Higher Education. 2007; 41:34-50.
15. Poyazade A, Shairi MR. Attitude of students towards studying theology. Journal of Daneshvar. 2004; 9:65-78. (Persian)

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-23]